

Ontology of the Ijtihād algorithm¹

Doi: 10.22081/jrj.2020.55765.1858

Abdolhamid Vaseti

Assistant Professor of Logic of Comprehending Religion Department of Research
Institute for Islamic Culture and Thought. hvaseti@yahoo.com

Received in: 2019/10/12

Accepted in: 2020/4/8

Abstract:

This article attempts to find the answer to this question:

Is it possible to discover and simulate the methods that the jurists use in their inferences with the details that go through the mind of the jurist? If so, how?

If inference (Ijtihād in jurisprudence) is a methodological epistemological attempt to discover the justification for the “obligatory verb” and if the inference and ijtihad (inference process) are transitive actions that the jurist performs step by step to discover the commentator from the starting point (facing the problem) to the end point (issuing a Fatwā); and if the methodology of ijtihād (process of inference) is actions and reactions that the jurist takes step by step to discover the view of the Almighty from the starting point (facing the problem) to the ending point (issuing the Fatwā),

1 . Vaseti. A (2020); " Ontology of the Ijtihād algorithm"; Jostar- Hay Fiqli va Usuli; Vol: 6 ; No: 19; Page: 219 - 249. - Doi: 10.22081/jrj.2020.55765.1858.

and if methodology and presenting an algorithm that accurately determines and describes the step-by-step process of solving a problem such that the starting point and ending point, the number of steps, the logical order of steps, and implementation instructions are described in each step without any gaps, then it seems that the operation of ijtihad and inference can be described algorithmically. How to do this can be done in two ways: 1. Field induction of jurists' performance and their analysis by discovering their methods. 2. Deductive according to cause and effect implications that exist in the sciences of Jurisprudence and Uşūl (Principles). Every jurist has his own deductive method which by analyzing his performance in his inferences can be given the details of his method and accordingly, different methods of jurists can also be studied comparatively and can also be deduced based on deductive method. The discovery of the deduction process validates the methodology of each jurist.

Keywords: Methodology, Jurisprudential Method, Ijtihad Algorithm, Jurisprudential Inference Validation.

ماهیت شناسی الگوریتم اجتهاد

عبدالحمید واسطی^۱

چکیده

تلاش این مقاله یافتن پاسخ این مسئله است که: آیا می‌توان روش‌هایی را که فقیهان در استنباطات خود به کار می‌برند، با جزئیاتی که در ذهن فقیه می‌گذرد، کشف کرد و شبیه‌سازی نمود؟ اگر می‌توان، چگونه؟

ماهیت‌شناسی
الگوریتم اجتهاد

۲۲۱

اگر استنباط (اجتهاد در اصطلاح فقهی)، تلاش معرفتی روشمند برای کشف موجه «حکم» در مورد «فعل مکلف» باشد و اگر عملیات استنباط و اجتهاد (فرآیند استنباط)، فعل و انفعالاتی باشد که فقیه برای کشف نظر شارع، به صورت مرحله به مرحله انجام می‌دهد تا از نقطه شروع (مواجه با مسئله)، به نقطه پایان (صدور فتوا) برسد؛ و اگر روش شناسی و ارائه الگوریتم که تعیین و توصیف دقیق مرحله به مرحله و قدم به قدم عملیات حل یک مسئله است، به طوری که نقطه آغاز و پایان، تعداد مراحل، ترتیب منطقی مراحل، دستورالعمل‌های اجرایی در هر مرحله بدون حفره میان دستورالعمل‌ها، توصیف شده باشد، آن گاه به نظر می‌رسد که می‌توان عملیات اجتهاد و استنباط را به صورت الگوریتمی توصیف کرد. چگونگی این کار، با دو روش استقرار میدانی عملکرد فقیهان و تحلیل آن‌ها با رویکرد

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان و استادیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛

کشفِ روش است و دوم قیاسی بر اساس الزامات علیّ معلولی موجود در دانش فقه و اصول فقه، انجام پذیرست.

هر فقیهی روشِ استنباطی دارد که با تحلیل عملکرد او در استنباطاتش می توان به جزئیات روشی او به مقدراری که استفاده کرده است، دست یافت و براساس آن، روش های مختلف فقیهان را نیز به مطالعه تطبیقی گذاشت. همچنین می توان بر اساس روش قیاسی در کشف روند استنباط، روش هر یک از آنها را اعتبارسنجی کرد.

کلیدواژه ها: روش شناسی، روش فقاہت، الگوریتم اجتهاد، اعتبارسنجی استنباط فقهی.

۱. مقدمه

فقیهان در طول زمان در استنباطات فقهی، بر اساس روش هایی عمل نموده اند که مبانی آنها در علم «اصول فقه»، مستندسازی شده است ولی به علت برجسته نبودن مباحث روش شناختی، روش اعمال شده در استنباطاتشان، معمولاً در پس تحلیل های آنها قرار گرفته است که در برخی موارد به سرعت، قابل تشخیص و در برخی موارد، به اکتشاف و اصطیاد نیاز دارد. اگر این روش ها، از نهفتگی درآیند و شفاف سازی شوند، می توانند آثار زیر را ایجاد کنند:

۱. برطرف شدن اشکال یا نقص های احتمالی برخی نظرهای فقهی با بازتولید آن در قالب روش دقیق سازی شده؛

۲. تعیین دقیق نقاط اختلاف میان صاحب نظران فقیه و حرکت به سمت رفع اختلاف ها؛

۳. کشف روش نظریه پردازی در فقه؛

۴. تعیین دقیق نقاط کمبود اطلاعات در فقه اجتماعی و نظام ساز؛

۵. تسهیل در آموزش و تمرین اجتهاد و فقاہت.

ابزار دقیق سازی در روش ها، «الگوریتم ها» یعنی توصیف قدم به قدم انجام یک کار با تمام فرآیندهای آن و با تمام جزئیات در فرآیندهای آن است؛ توجه به این نکته ضروری است که مأموریت اصلی «الگوریتم ها» دقیق سازی پدیده های طیفی،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۲۲

انعطافی، تقریبی، تفسیرپذیر و دارای احتمالات مختلف و عدم قطعیت و نیازمند به پیش‌بینی است، اما زبان الگوریتم‌ها، در تمام این موارد، دارای قطعیت است (یعنی نباید از دستورالعمل‌های آن برداشت‌های مختلف بشود) و موظف است تمام احتمالات معنادار در هر حالت یا رتبه یا لایه یا تفسیر یا تقریبی که در پدیده وجود دارد را تعیین کند و تکلیف هر کدام را در خروجی نهایی مشخص کند و حتی موظف است نحوه مواجهه با احتمالاتی را که ممکن است در آینده حاصل شوند، تعیین کند.

۲. پیشینه تحقیق

در منابع فقهی و اصولی، جز اشاراتی نسبت به کل روند استنباط، توضیحات دیگری نیامده است. در کتاب‌های مربوط به فلسفه فقه^۱ یا فلسفه اصول^۲ نیز به مبانی و مسائل ساختاری فقه و اصول پرداخته شده و آنجا هم فقط اشاراتی از روند اجتهاد ارائه شده است. در کتاب‌هایی با عناوینی چون مبانی و تاریخ تحول اجتهاد^۳، مکتب‌شناسی فقهی^۴ نیز به مبانی و تاریخچه اجتهاد و فقاہت پرداخته شده و بحثی از روند قدم به قدم اجتهاد نیامده است. همچنین در کتاب‌هایی با عناوین منطق فهم دین^۵، منطق فهم حدیث^۶ و روش‌شناسی تفسیر^۷ تفصیل بیشتری ذکر شده است، لکن کلیه فرآیندهای اجرایی با جزئیات آن نیامده است. برخی محققان نیز فقط به ارائه ملاک کلی از روش‌های مختلف اکتفا کرده‌اند، مثلاً در بحث از شیوه‌ها و مناہج استنباط فقیهان، در مقاله نگاهی جدید به مباحث علم اصول، چنین آورده شده است: «شهید اول و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، در روش فقهی‌شان ویژگی معادلات و

۱. ضیایی فر، سعید، ۱۳۹۲، فلسفه علم فقه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. به کوشش فیاضی، مسعود، ۱۳۹۲، پیرامون فلسفه اصول فقه، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳. عزیزی، حسین، ۱۳۸۴، مبانی و تاریخ تحول اجتهاد، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۴. به کوشش ضیایی فر، سعید، ۱۳۸۵، پیش درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۵. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۹، منطق فهم دین، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۶. طباطبایی، محمدکاظم، ۱۳۹۳، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۷. بابایی، علی اکبر و عزیزی، غلامعلی و روحانی‌راد، مجتبی، ۱۳۹۲، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ملازمات قانونی (یعنی رسیدن به نتایج از طریق ملازمات معادلات عام در احکام به‌وسیله‌ی علاقات و ارتباطات بین منظومه‌ی قوانین) به چشم می‌خورد؛ در حالی که محقق کرکی در منهج فقهی خود از ویژگی تحلیل حکمی و وصول به نتایج از طریق تحلیل بهره‌برده است؛ و شهید ثانی از طریق سبر و تقسیم در شقوق مختلف برای آگاهی یافتن از صحت نتیجه، استفاده کرده است. همچنین فقهای نامداری چون کاشف اللثام، صاحب جواهر و صاحب ریاض، هم از روش تحلیل حکمی استفاده کرده‌اند و در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها فقط در دامنه حدود دلالت ادله حرکت می‌کنند و به منظومه هر می و ساختار حکم توجهی ندارند» (سند، ۱۳۸۲، ۱۰۱/۳).

در سال ۱۳۸۸ شمسی نیز مقاله‌ای با عنوان «الگوریتم اجتهاد» منتشر شد که نمای کلی عملیات اجتهاد را به تصویر کشیده، ولی به فرآیندها نپرداخته است.

۳. مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی در این بحث، چهار مفهوم الگوریتم، اجتهاد، روش و روش‌شناسی است. الف) مقصود از «الگوریتم»، ارائه روند قدم به قدم انجام یک کار است که از یک نقطه مشخص شروع می‌شود و به‌صورت مرحله به مرحله، به ترتیب انجام می‌شود و در یک نقطه مشخص پایان می‌پذیرد. الگوریتم، یک روش منطقی برای حل مسائل است. روش الگوریتم‌سازی را خوارزمی ریاضی‌دان مسلمان ایرانی برای حل مسائل پیشنهاد کرده بود (فرهنگستان ادب فارسی، ۱۳۷۶، دفتر اول). الگوریتم که سبب ایجاد چنین اثری می‌شود، ویژگی‌هایی بدین قرار دارد:

۱. تعداد دستورالعمل‌ها مشخص باشد.
۲. ابتدا و انتهای دستورالعمل‌ها برای انجام‌دهنده تعریف شده باشد.
۳. در فهم و اجرای دستورالعمل‌ها تنها یک حالت، ممکن باشد و برداشت‌های متعدد نشود.
۴. هر یک از دستورالعمل‌ها به تنهایی قابل فهم و اجرا باشد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۲۴

۵. ترتیب دستورالعمل‌ها ما را به یک هدف مشخص برساند.

تعیین دقیق جزئیات و ترتیب مراحل و نحوه به پایان رسیدن فعالیت‌ها، مشخصه‌های یک فعالیت الگوریتمی است (آکسفورد، 2009، Page 29)؛ مثلاً دستورات زیر، الگوریتم کلی انجام یک تحقیق نظری با روش تحلیل مفهومی است:

ابتدا موضوع مورد نظر برای تحقیق را به مسئله تبدیل کن ← سپس مسئله را به اجزا و روابطش تجزیه کن ← سپس اجزا و روابط مسئله را تعریف مفهومی کن ← سپس دامنه مرتب‌تات هر مفهوم را کشف کن ← سپس مفاهیم مشترک در مرتب‌تات را استخراج کن ← سپس رابطه این مفاهیم مشترک را کشف کن ← آن‌گاه رابطه جدید کشف شده را به عنوان حل مسئله صورت‌بندی کن.

هر کدام از دستورات بالا، خود، دارای دستورالعمل درونی است که پاسخ به سؤال «چگونه؟» در برابر هر کدام است و باید الگوریتم آن نیز بیان شود (زیر الگوریتم لایه یک)، و اگر پاسخ ارائه شده برای آن زیر الگوریتم لایه یک هم به توضیح عملیاتی نیاز داشته باشد، باید الگوریتم درونی آن هم ارائه شود (زیر الگوریتم لایه دو) و همین‌طور تا برسد به انجام اقدامات بدیهی و بسیط.

ماهیت‌شناسی
الگوریتم‌اجتهاد

۲۲۵

ب) مقصود از «اجتهاد»، در این مقاله، عملیات معرفتی موجه برای اکتشاف نظر شارع از منابع دین است. تعریفی تفصیلی را میرزای قمی صاحب قوانین الأصول، بدین صورت ارائه کرده است:

«الاجتهاد هو استفراغ الوسع فی تحصیل الحکم الشرعی الفرعی من ادلته لمن عرف الادله و احوالها و کان له قوة القدسیة التي یتمکن بها عن مطلق رد الفرع إلى الاصل» (میرزای قمی، ۱۳۲۱ق، ۲/۱۰۱).

یعنی اجتهاد، تلاش حداکثری متخصص، برای کاوش منابع معتبری است که حاوی نشانگرهای معتبر برای دستیابی به حکم شارع نسبت به مصادیق است؛ متخصصی که علاوه بر تسلط بر شناخت منابع و انواع نشانگرها و خصوصیات آن‌ها، مهارت تشخیص ارتباط موقعیت انواع مصادیق با قواعد و نظریه‌های فوقانی، در بستر تلاش علمی‌اش، به او عنایت شده باشد. جوهره این تعریف، «عملیات معرفتی موجه برای اکتشاف نظر شارع از منابع دین» است.

همچنین، یکی از صاحب نظران اصولی، اجتهاد را چنین تعریف کرده است:
(تحصیل الحجة علی الحکم الشرعی) (روحانی، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۴).

ج) مقصود از «روش»، مجموعهٔ مرحله به مرحلهٔ انجام یک فعالیت است که سبب ایجاد اثری می‌شود. این تعریف را می‌توان با یک لایه برداری، این گونه هم بیان کرد: روش، دستورالعمل تجزیه و ترکیب در داده‌های موجود است که سبب حل مسئله‌ای و دستیابی به داده جدیدی می‌شود (واسطی، ۱۳۹۵، ۲۱).

د) مقصود از «روش‌شناسی»، توصیف یک روش و تفسیر مبانی شکل‌گیری آن و تبیین موقعیت اثربخشی آن و علل اعتبار نتایج آن و مقایسه آن با روش‌های مشابه است که می‌تواند به توصیه هم منجر بشود.

ه) مقصود از «الگوریتم اجتهاد»، توصیف و مدلل کردن مراحل و فرآیندهای قدم به قدم عملیات استنباط فقهی، از مواجهه با مسئله تا دستیابی به حکم در پاسخ به مسئله است، به طوری که دارای حجیت باشد.

شکل ظاهری الگوریتم‌ها، توصیفی است (توصیف مراحل و فرآیندها با تمام جزئیات)، ولی بیان مبانی و علت انتخاب آن مراحل و فرآیندها، در لایهٔ زیرساختی علم مورد نظر بیان شده است، لکن اصطلاح «الگوریتم اجتهاد»، صرفاً توصیف مراحل نیست، بلکه همراه با استدلال است؛ یعنی صاحب هر روش اجتهاد و استنباطی، در بیان روش خود، علاوه بر توصیف مراحل و فرآیندها، باید به مبنا و استدلال برای آن مرحله و آن فرآیند اشاره کند و به علوم مربوطه به صورت اصل موضوعی ارجاع دهد؛ مثلاً اگر در مراحل استنباط، استناد به آیات قرآن را در ابتدای مرحلهٔ مراجعه به منابع نقلی قرار داده، باید در اول بحث یا در پاورقی، به مبانی مانند زیر اشاره کند و به جایی که در آنجا این مبانی اثبات شده ارجاع دهد: مثلاً «مبنای یک: قرآن، تحریف ندارد و حجیت دارد. مبنای دو: خطابات قرآن اختصاص به زمان و مکان خطاب ندارد. مبنای سه: ظاهر آیات قرآن قابل فهم و استنادپذیرست. مبنای چهار: استنباط از آیات مقدم بر استنباط از روایات است. مبنای پنج: اقتضای عملیات استنباط از جهت روش تحقیقی، ابتدا مراجعه به ادله است نه مراجعه به اقوال و نظر فقها». نمونهٔ زیر یکی از طرح‌های کلی برای مسیر استنباط است:

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۲۶

ردیف	مرحله	توضیح
۱	موضوع‌شناسی (عرضه موضوع بر عرف عام و عرف خاص، عرضه موضوع بر عقل و فطرت قطعی)	موضوعی که حکم آن را می‌خواهیم به دست بیاوریم، چیست؟ فیود و شرایط تحقق موضوع در نظر عرف عام و عرف خاص چیست؟ موضوع عرفی است یا نیاز به کارشناسی دارد؟ (از موضوعات مستنبطه است) تغییر و تبدلات موضوع چگونه است؟ مرتبطات موضوع چه مواردی هستند؟ حداقل‌های قطعی متفق‌علیه در حدود و ثغور موضوع چیست؟
۲	عرضه موضوع بر قرآن	جست‌وجوی کلیه محمول‌هایی که در قرآن، بر این موضوع بار شده‌اند، با احراز دلالت آیه. جست‌وجوی کلیه محمول‌هایی که در قرآن بر مرتبطات قطعی این موضوع بار شده است (بررسی عوارض خارج لازم موضوع + همراه با مفهوم‌گیری)
۳	نسبت‌سنجی اولیه میان محمولات قرآنی	سنجش رابطه میان محمول‌هایی که در قرآن برای این موضوع ذکر شده است از حیث تقید و تخصیص و نسخ و تبیین و حکومت و ورود، و رسیدن به یک نگاه منسجم میان آیات ناظر به این موضوع (بهمراه تحلیل ادبی، منطقی، تاریخی) و علاج تعارض‌های ظاهری اولیه
۴	عرضه موضوع بر روایات	جست‌وجوی کلیه محمول‌هایی که در روایات، بر این موضوع بار شده‌اند، با احراز سند و دلالت روایت (اعم از روایات کلامی و عقیدتی، روایات تاریخی، روایات اخلاقی و روایات فقهی شیعه و اهل سنت) جست‌وجوی کلیه محمول‌هایی که در روایات بر مرتبطات قطعی این موضوع بار شده است (بررسی عوارض خارج لازم موضوع + مفهوم‌گیری) تفکیک میان روایات دارای لفظ دال بر حکم و روایات حاکی از فعل یا تقریر معصوم

ردیف	مرحله	توضیح
۵	نسبت‌سنجی اولیه میان محمولات حدیثی	سنجش رابطه میان محمول‌هایی که در روایات برای این موضوع ذکر شده است از حیث تقید و تخصیص و نسخ و تبیین و حکومت و ورود و رسیدن به یک نگاه منسجم میان روایات ناظر به این موضوع (بهمراه تحلیل ادبی، منطقی، تاریخی) و علاج تعارض‌های ظاهری اولیه و علاج تعارض‌های مستقر با ترجیحات حجت‌ساز.
۶	نسبت‌سنجی میان نگاه قرآنی و نگاه روایی	سنجش رابطه تقیدی، تخصیصی، تبیینی میان قرآن و روایات، و اعمال تقید و تخصیص و تبیین و نسخ و طرف‌ها و حکومت و ورود و علاج تعارض‌های ظاهری اولیه و علاج تعارض‌های مستقر با ترجیحات حجت‌ساز
۷	نسبت‌سنجی با اصول و اهداف قطعی دین	سنجش رابطه دیدگاه حاصل شده با عمومات فوقانی و مستقلات عقلیه مانند عدالت‌ورزی، لاضرر، لاجرح، یقین‌محوری، توحیدمحوری، حفظ نظام و اجتماع، حفظ دین، حفظ نفوس و نسل، گردش ثروت، ...
۸	ارزیابی و بازبینی یافته‌ها	نسبت‌سنجی دیدگاه اولیه به دست آمده با: اجماع در موضوع و موضوعات مرتبط آن، شهرت‌های فتوایی سیره مشرعه سیره عقلاء
۹	علاج تعارض‌ها	تعیین تکلیف تعارض‌های ظاهری (غیر مستقر) با جمع عرفی تعیین تکلیف تعارض‌های مستقر با استفاده از مرجحات
۱۰	نحوه علاج تراحم‌های احتمالی	تعیین اولویت‌ها برای صدور حکم اجرایی نسبت به موضوع
۱۱	فعال کردن اصول عملیه	در صورت عدم دستیابی به گزاره‌ای که ملاک‌های حجیت را دارا باشد، به اصول عملیه مراجعه شود.

**جستارهای
فقهی و اصولی**

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹
تابستان ۱۳۹۹

۲۲۸

برای شکل‌گیری یک الگوریتم باید در مقابل هر کدام از مراحل بالا، «چرا؟» بگذاریم و در مقابل محتوای هر کدام از آنها، «چگونه؟» بگذاریم و پاسخ آن‌ها را به تفصیل و با ذکر جزئیات بیان کنیم.

۱. مسئله اصلی و مسائل پیرامونی

این مقاله، به دنبال چستی، چرایی و چگونگی استفاده از الگوریتم‌ها در عملیات اجتهاد است؛ لذا مسئله اصلی مقاله این است که آیا می‌توان عملیات استنباط فقهی را به صورت الگوریتمی بیان کرد؟ و اگر می‌توان، چه ضرورتی دارد؟ مسائل مهم مرتبط با این مسئله نیز چنین است:

الف) آیا یک الگوریتم معیار وجود دارد یا به تعداد استنباطات، الگوریتم‌های خاص وجود دارد و نمی‌توان به الگوریتم معیاری رسید؟
ب) دستیابی به الگوریتم معیار یا الگوریتم‌های متعدد، چگونه است؟ استقرایی است یا به صورت قیاسی نیز انجام‌پذیر است؟
ج) آیا فقط کلیت الگوریتم اجتهاد را می‌توان ارائه کرد یا زیرالگوریتم‌ها را تا لایه‌های متعدد زیرین نیز ارائه‌پذیر است؟

در این مقاله، تلاش شده است ابتدا توصیفی از «اجتهاد»، «روش» و «الگوریتم» ارائه شود، سپس اثبات گردد که الگوریتم‌سازی برای اجتهاد، هم ممکن است و هم ضرورت دارد، و در مرحله سوم، چگونگی دستیابی به الگوریتم‌های اجتهاد، و همچنین چگونگی یک الگوریتم معیار، توصیف و مدلل شود و به برخی نقدها در مورد عدم امکان الگوریتم‌سازی در اجتهاد یا آثار نامناسب الگوریتمی کردن اجتهاد، پاسخ داده شود.

۲. پاسخ به مسئله اصلی و مسائل پیرامونی

در مورد «امکان الگوریتمی کردن عملیات استنباط فقهی»، پاسخ مثبت است؛ زیرا هر چیزی که در آن «روش و روش‌مندی» و «موجّه بودن و درست و غلط بودن» وجود دارد، تابع یک دستگاه منطقی است و دستگاه‌های منطقی، الگوریتمی

هستند. پاسخ به «دلیل ضروری بودن استفاده از رویکرد الگوریتمی در استنباط»، نیز به «دقیق‌سازی» در عملیات استنباط نیاز دارد.

۱/۱/۱. توضیح و استدلال

حدّ وسط استدلال برای اثبات پاسخ بالا، «روش‌مند بودن عملیات استنباط» است، توضیح اینکه «استنباط» یک عمل و کارکرد ذهنی است. هر کارکردی در این عالم (اعمّ از موجودات ماهوی، مفهومی یا اعتباری^۱)، یک معلول است و قواعد «علت و معلولی» بر آن حاکم است؛ مانند اینکه این عالم تدریج است و فعالیت‌ها در آن دفعاتاً حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند طی مراحل و رعایت شرایطی است. همین‌طور هر چیزی از هر چیزی صادر نمی‌شود، بلکه نیازمند تعیین موارد زیر است:

«چه عاملی، چه چیزی را، با چه اجزا و روابط درونی، با چه کمیت و کیفیتی، در چه زمان و مکانی، با چه بستر و شرایط اولیه‌ای، با چه روابط بیرونی، با چه نحوه اثرگذاری و اثرپذیری، از چه نقطه‌ای، در چه جهتی، در چه مراحل، به سمت چه مقصدی و با چه هدفی تغییر می‌دهد تا اثری جدید ایجاد شود و نیازی را رفع کند و مسئله‌ای را حل کند». اگر در مواجهه با هر چیزی، به این سؤالات پاسخ داده شد، «تعیین روش» برای آن چیز صورت گرفته است.

اگر استنباط، تلاش معرفتی روشمند برای کشف موجه «حکم شرع» برای «فعل مکلف» باشد و اگر «روشنندی»، مبتنی بودن عملیات انجام شده بر یک دستگاه منطقی مُنتج است - که حاوی اصول موضوعه، به علاوه قاعده تجزیه و ترکیب مفاهیم است به طوری که بتواند شروط استدلال‌هایی را که حداقل در منطق ارسطویی مُنتج دانسته شده است، فراهم سازد، اعم از اینکه ورودی‌های این دستگاه منطقی، ماهیات باشند یا مفاهیم یا اعتباریات دارای منشأ اعتبار حقیقی، و اعمّ از اینکه انتاج یک تعریف یا توصیف یا تفسیر یا برهان یا نقد باشد - و اگر ضوابط و شروط انتاج، دارای مراحل و ترتیب بدون حفره مفهومی است؛ و اگر «الگوریتم»، توصیف مراحل و

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۳۰

۱. کیفیت جریان قواعد مربوط به تکوین در عالم تشریح و اعتبار، در پاسخ به شبهه مشهور «خط میان حقایق و اعتباریات» در فرضیه بعدی به تفصیل ذکر شده است.

ترتیب معین و متناهی دارای ضوابط و شرایط برای حلّ یک مسئله یا انجام یک کار است، آنگاه استنباط، قابل ارائه الگوریتمی است.

برای اثبات ضرورت رویکرد الگوریتمی به استنباط، باید نیاز روش‌ها به «دقیق‌سازی» اثبات شود. توضیح اینکه اگر «دقت و دقیق‌سازی»، ارائه جامع و مانع اجزا و روابط یک موضوع به همراه شاخص‌های آن اجزا و روابط است که سبب تمایز آن از موارد مشابه (تشابه واقعی یا توهمی) شود، و اگر تمام مغالطات، در اثر شبیه‌پنداری است و شبیه‌پنداری در اثر عدم تمایز در اجزا و روابط و شاخص‌های آن‌هاست، و اگر الگوریتم‌ها، تعیین تمام جزئیات یک فرآیند است، آنگاه الگوریتمی کردن استنباط، سبب دقیق‌سازی عملیات استنباط می‌شود و اگر اعتبار هر استنباطی تابعی از دقت در به‌کارگیری ضوابط و شرایطی است که منجر به صحت آن شود، و اگر معتبرسازی استنباطات لازم است، الگوریتمی کردن استنباط، ضروری است.

۱-۲-۱. بررسی نقدها

در این قسمت، دو گونه نقد مطرح است، در نقد اول گفته شده اجتهاد امری ذوقی و از جنس خلاقیت است و خلاقیت قابل محصور کردن در حصار روش‌ها نیست، حتی برای ارتقای خلاقیت‌ها باید ضد روش‌ها اقدام کرد. در نقد دوم گفته شده، اجتهاد عملیاتی است که بر روی اعتباریات صورت می‌پذیرد و قواعد روشی مربوط به ماهیات و مفاهیم حقیقی هستند؛ لذا نمی‌توان روش‌ها و قوانین مربوط به مفاهیم حقیقی را در اجتهاد جاری کرد.

در پاسخ به دیدگاه اول که در فضای فلسفه علم و روش‌شناسی به دیدگاه «ضد روش» معروف شده، گفته می‌شود که این دیدگاه میان «اصل روش داشتن» و «مصدق روش و ابزار روش» خلط کرده است و نفی محدودیت در مصداق روش و ابزار، به نفی اصل روش سرایت کرده است؛ و اینکه این نظریه خود متناقض است

ماهیت‌شناسی
الگوریتم اجتهاد
۲۳۱

۱. مقصود از «شاخص»، خصوصیات زمانی، مکانی، کمی، کیفی، جهت، زمینه‌ای، پیامدی، فاعل، جنس و ماده، شکل و صورت، نقطه شروع، نقطه پایان و هدف، مراحل، عامل و ابزار، نقاط ضد و بحران، ... است.

و خودش بر اساس روش منطقی، تحلیل و انتاج دارد (فایربرد، پاول، ترجمه قوام صفری، ۱۳۷۵، ۲۰۰؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۴۴).

درباره خلاقیت نیز علاوه بر تبیینی که برای ضرورت تکوینی روش برای هر اثر و پدیده ذهنی ذکر شد، بررسی تطبیقی میان عملکرد مخترعان و خلاقان در جهان که گزارش‌های آن به‌طور رسمی در نهاد «ثبت اختراعات» در کشورها قرار دارد، به کشف الگوهای روشی برای خلاقیت منجر شده و دانش «خلاقیت‌شناسی» را شکل داده است و با عناوینی مانند «نوآوری نظام یافته» (ترینکو، زوسمن، زلاتین؛ ترجمه جعفری و همکاران، ۱۳۸۴)، «الگوریتم نوآوری» (سلیمی، محمدحسین و همکاران، ۱۳۸۴)، ارائه شده است.

در پاسخ به دیدگاه دوم که به خلط حقایق با اعتباریات قائل است، باید گفت، اعتبارات در سیره عقلانیه، اعتبارات محضه نیست، بلکه اعتبارات دارای منشأ اعتبار و انتزاع خارجی است و کلیه قوانین و ضوابط علی معلولی، براساس منشأ اعتبارشان بر آن‌ها جاری می‌شود. علامه طباطبایی در تعریف اعتباریات چنین آورده‌اند: «الإعتبار هو إعطاء حد شئیء أو حکمه لشیء آخر لغرض ترتب آثار الحقائق علیه فتحقق الإعتبار فی محله محتاجاً إلی تحقق آثار مرتبة علیه و کان نفس الإعتبار ملائماً لما یرتّب علیه من الآثار بحسب الحقیقة» (طباطبایی، بی‌تا، حاشیه الکفایه، ۷۲/۲)؛ یعنی، اعتبار کردن یعنی در نظر گرفتن خصوصیات یک پدیده واقعی و شبیه‌سازی همان خصوصیات برای یک پدیده دیگر، به هدف دستیابی به آثاری که پدیده واقعی ایجاد می‌کند؛ بنابراین، اگر جایی بخواهد «اعتبار» شکل بگیرد باید آثاری که بر پدیده حقیقی شبیه‌سازی شده بار می‌شد، در آنجا هم ایجاد شود و اصولاً چنین قابلیتی در امر اعتباری وجود داشته باشد و با آن پدیده حقیقی تناسب داشته باشد. در نظر علامه طباطبایی، ادراکات اعتباری متعلق قوای اراده‌کننده (قوای فعاله) است و باید توسط انشای نفس، تولید شود و منشأ فعال شدن این اراده، تشخیص ضرورت برقراری ارتباط میان آثار یک پدیده و نیازهای انسان است (تشخیص رابطه تکوینی میان غایت و اثر اراده‌ای که ایجاد خواهد شد) (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴، ۹۱/۵).

نکته بسیار حیاتی که از مطالب یادشده به‌دست می‌آید این است که در امور

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۳۲

عقلانیه، اعتبار محض جاری نیست، بلکه اعتباراتی فعال است که دارای منشأ اثر خارجی و الزامات و لوازم تکوینی هستند؛ لذا هر اعتباری به دنبال ایجاد اثری واقعی است (عدم لغو بودن) و برای اینکه یک اثر واقعی حاصل شود، باید الزامات و لوازم و روابط واقعی فعال شوند (که عملکرد «اعتبار» برقراری این روابط است).

براساس موارد بالا، می‌توان رابطه منطقی میان حقایق و اعتباریات برقرار کرد. «اجتهاد» نیز مانند اصل «اعتبار کردن» یک عملکرد حقیقی است که ذیل قاعده و قانون تفکر و تحقیق قرار دارد و اگر بر مفاهیم اعتباری هم اعمال شود، به سبب ضابطه‌دار بودن تحلیل مفاهیم اعتباری، هرگونه تحلیلی در آن منتج و مورد پذیرش عقلا نیست و کارآیی ندارد.

۲. پاسخ به مسئله دوم (وجود الگوریتم معیار)

الگوریتم معیاری وجود دارد و الگوریتم‌های استنباطی متعددی که بر اساس مبانی مُدَلَّل استنباط‌کننده‌ها شکل گرفته‌اند، نیز حجیت دارند.

توضیح و استدلال

حد وسط استدلال برای اثبات فرضیه فوق، «وجود حکم واقعی و حجیت حکم ظاهری» است. توضیح اینکه عموم فقیهان امامیه در مبنای اصول فقهی، قائل به تبعیت احکام از مصالح و مفاسدِ واقعیه هستند و چون در مبنای معرفت‌شناسانه نهفته در مبانی کلامی‌شان، قائل به «واقعیت واحد و نه متکثر یا نسبی» هستند، حکم الله واقعی را «واحد» می‌دانند. از سوی دیگر، ضرورت علی معلولی در عالم واقع، فقط و فقط یک روش نهایی را برای کشف تمام واقعیت ایجاب می‌کند (به قید «نهایی») در کلمه روش، و قید «تمام» در کلمه کشف واقعیت، دقت شود؛ و البته همانطور که در مبانی هستی‌شناختی مبتنی بر حکمت متعالیه ذکر شده است (طباطبایی، بی‌تا، ۱۷ و ۱۹۷). این پدیده‌ها دارای طیف هستند، انعطاف و حرکت دارند و ضرورت علی معلولی در به هر مرحله و لایه و موقعیت، به حسب خودش برقرار می‌شود؛ بنابراین، برای کشف حکم الله واقعی، فقط و فقط یک الگوریتم نهایی وجود دارد که تکلیف احتمالات و قابلیت‌ها را نیز مشخص کرده باشد، و بقیه موارد به هر مقدار که از آن

فاصله داشته باشند، مبتلا به اشتباه هستند. از آنجایی که کشف تمام الواقع، همیشه عملاً در توان همه افراد نیست و محققان، برای «تقرُّب به واقعیت» تلاش دارند، سیره عقلا و شارع به‌عنوان رئیس العقلا، به نتایج تلاش روش‌مند برای کشف واقع گرچه به کشف الواقع منجر نشود، اعتبار عملی داده است؛ لذا الگوریتم‌هایی که مُدلل هستند (دارای مبانی و منطق دفاع‌پذیر در عرف خاص) حجیت دارند.

۱/۱/۱/۲. بررسی نقدها

در این قسمت، منتقدان می‌گویند: قائل شدن به یک الگوریتم، از یک سو به استبداد روشی و انحصار روشی منجر می‌شود! و از سوی دیگر، تنوع روش‌ها و ترکیب روش‌ها در تحقیقات، امری پذیرفته شده در میان محققان می‌باشد. در پاسخ باید گفت: براساس مبنای هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه حکمت متعالیه، در کلیه پدیده‌های انسانی و محیطی، در کلیه علوم و امور جاری در این عالم، با «پدیده‌های شبکه‌ای» مواجه هستیم، تعبیر علامه طباطبایی در این مورد «نظام العالم» است (طباطبایی، بی‌تا، ۳۱۴) که می‌توان از آن به «شبکه هستی» تعبیر کرد؛ مقصود از «شبکه‌ای» بودن پدیده‌های ماهوی و مفهومی و اعتباری، چندبُعدی، چندلایه‌ای، چندزاویه‌ای، چندمرتب‌ای بودن آن‌هاست؛ ابعاد، زوایا، لایه‌ها و مراتبی که با یکدیگر مرتبط نیز هستند و حداقل‌های قطعی تشکیل‌دهنده پدیده نیز در میان همین موارد است. کشف ابعاد، زوایا، لایه‌ها و مراتب بیشتر سبب دستیابی به قابلیت‌های بیشتر و آثار بیشتر از پدیده‌هاست. در تمام پدیده‌ها، تلاش علوم برای کشف حداقل‌های قطعی و حرکت به سمت کشف حداکثرهای ممکن است. نتیجه اینکه روش‌ها و ابزارهای روشی در علوم که مأموریت آن‌ها اکتشاف است، در عین اینکه دارای «هسته ثابت و پایدار و قطعی» هستند، طیف‌بردارند و تنوع دارند و برای کشف بیشتر از حقایق، ترکیب و تکامل پیدا می‌کنند. تنوع روش‌های مُدلل، به علت تنوع ابعاد پدیده‌های ماهوی یا مفهومی یا اعتباری است. البته این طیف متنوع روشی، تا مرز عدم تضاد میان روش‌ها پذیرفتنی است. بر این اساس، استناد ناقدان به «عدم توان دسترسی به واقعیت با روش واحد، و وجود اختلاف در مسیر دستیابی به واقعیت»،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۳۴

نمی‌تواند دلیل برای اسقاط یک روش معیار و ابزارهای آن از اعتبار علمی باشد. در فضای اجتهاد فقهی نیز هر فقیهی که مسیری را در استنباط دنبال می‌کند، موظف است قبلاً اعتبار مبانی و مراحل آن مسیر را در علوم وابسته مستدل و مبانی و مراحل دیگران را نقد کرده باشد تا بتواند مدعی باشد که تنها روش معتبر در کشف حکم الله، روش او و الگوریتم نهفته در پیش‌صحنه آن است و تنها با عملکردهای استنباطی‌ای همراهی می‌کند که مخالفت با قلمرو روشی او نداشته باشند (به قید قلمرو دقت شود که حیطه‌ای از مصادیق متجانس را پوشش می‌دهد).

«الگوریتم معیار» به معنای الگوریتم جامع، الگوریتمی است که در آن مسیرهای مربوط به احتمالات مختلف در تفاوت‌های مبانی و بنایی مشخص شده است و دارای چنین عباراتی است: «اگر مبنای الف را قائل هستید به مسیر شماره... بروید، و اگر مبنای ب را قائل هستید به مسیر شماره... بروید؛ حتی اگر مبنای دیگری را قائل هستید که تاکنون مطرح نشده است، تأثیر مبنای خود را در این موضوع تعیین کنید و مسیر لازم برای رسیدن به مرحله بعدی را بسازید و اضافه کنید.»

همین‌طور چنین الگوریتم جامعی، تکلیف خود را با «جعبه‌های سیاه» مشخص کرده است، جعبه سیاه، بخشی از مسیر است که دانش لازم برای دستیابی به درون آن، هنوز تولید نشده است یا در علم دیگری بیان شده است که جزئیات آن در اختیار فقیه نیست و نیازمند به استفاده از بسته‌ای است که در آن علم، ارائه شده است؛ در چنین مواردی که در همه علوم نیز وجود دارد به «قدر متیقن‌ها» تکیه می‌شود و مسیر ادامه می‌یابد و الگوریتم‌ها در این موارد، دارای چنین عباراتی هستند: «اگر به مرحله الف رسیدی و نمی‌دانستی چه باید کرد، حداقل قطعی در آن را تعیین کن و نتیجه را به مرحله بعد منتقل کن و به مسیر شماره... برو.»

هر صاحب مکتب و صاحب نظریه‌ای می‌تواند الگوریتم معیاری را معرفی کند و موظف است در برابر نقدها و الگوریتم‌های رقیب از عهده نقد و اثبات برآید. الگوریتمی کردن اجتهاد یک «رویکرد» برای دقیق‌سازی استنباط است، ثمره این رویکرد در فضای وجود مکاتب و روش‌ها و مبانی مختلف اجتهادی این است که هر مکتب و روش و مبانی تلاش کند تا الگوریتم خود را ارائه نماید. شبیه‌سازی

این مطلب در کف میدان حوزه‌های علمیه چین می‌شود که در درس‌های خارج، اساتید به توصیف، تبیین، نقد و بررسی و مقایسه تطبیقی میان الگوریتم اجتهاد مثلاً شیخ انصاری، آخوند خراسانی، محقق نائینی، محقق اصفهانی، آیت‌الله خویی و... می‌پردازند. در درس اصول، هر استادی ابتدا الگوریتم استنباط مختار خود را توصیف می‌کند. سپس به استدلال بر مراحل استنباط و ابزارهای هر مرحله و کیفیت اجرای آن‌ها می‌پردازد و هر جایی که دیگر محققان، نظر دیگری را داده‌اند مورد نقد قرار می‌دهد. در درس فقه نیز هر استادی ابتدا الگوریتم استنباط خود را به‌عنوان پیش‌فرض ارائه می‌کند. سپس براساس مراحل و فرآیندهای ذکر شده در آن، به تطبیق بر مسئله فقهی مورد بحث می‌پردازد و مخاطبان با در دست داشتن الگوریتم اجتهادی استاد، می‌توانند در تمام مراحل و موارد، عملکرد استاد را رصد کرده و صحت‌سنجی کنند و با مقایسه الگوریتم استنباط فقها و اساتید مختلف، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی نمایند.

در الگوریتم جامع اجتهاد که دارای انواع محتمل در مبانی و مسیرها و فرآیندهای مبتنی بر هر یک از مبانی باشد، از کاربرد این الگوریتم خواسته می‌شود تا در هر ورودی، مبنای مورد نظر خود را وارد کند تا مسیرهای بعدی تعیین شود و در هر مسیر، مبنای خود را وارد کند تا فرآیندهای بعدی مشخص شود و در هر فرآیند، مصادیق معتبر مورد نظر خود را وارد کند تا نتایج حاصل شود.^۱

جستارهای
فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹
تابستان ۱۳۹۹

۲۳۶

۳. پاسخ به مسئله سوم و چهارم (روش دستیابی به الگوریتم‌های فقهی و توان کشف

زیرالگوریتم‌ها)

الگوریتم‌های نهفته در استنباطات فقهای مختلف، با رویکرد استقرایی و با روش (داده کاوی بنیادین) قابل استخراج و عرضه است. همچنین الگوریتم معیار، با استفاده از روش قیاسی قابل تولید و ارائه است (پاسخ به مسئله سوم) و می‌توان زیرالگوریتم‌ها

۱. در اصطلاح کامپیوتری، در هر قسمت (فیلد) مربوطه توسط کاربر می‌شود براساس تعیین فیلد اول، فیلدهای بعدی با گزینه‌های متناسب، آشکار می‌شوند. عملیات «شخصی سازی یا Customize کردن» که آماده سازی الگوریتم جامعی برای شکل دادن به الگوریتم‌های خاص مبتنی بر مبانی و خواسته‌های یک فرد است از عملکردهای متعارف در نرم‌افزارهای کامپیوتری است.

را نیز به مقدار گسترش دانش در حیطة مربوطه ترسیم کرد (پاسخ به مسئله چهارم).

۴-۱. توضیح و استدلال

الف) توضیح رویکرد استقرایی: در تعریف معروف استقرا آمده است: «الاستقراء تصفح الجزئیات لاثبات حکم کلی» (فارابی، ۱۴۰۸ق، ۲/۲۵۸)؛ برای منضبط‌سازی استقراء می‌توان از روشی با عنوان «داده‌کاوی بنیادین» استفاده کرد (منصوریان، ۱۳۸۶).

حدّ وسط استدلال برای اثبات فرضیه «قابلیت دستیابی به الگوریتم استنباطات موجود بر اساس روش استقرایی»، «وجود تشابه عملکردی پُر تکرار در استنباطات یک فقیه خاص یا مکتب خاص و صحت سؤال از علت این تشابه پُر تکرار» است. توضیح اینکه یکی از روش‌های کشف علت یک عملکرد عقلایی، استقرای موارد عینی آن است؛ مثلاً اگر با سؤال «روش استنباطی شیخ انصاری چگونه است؟» مواجه شویم، می‌توانیم به عملکردهای استنباطی ایشان که از سوی خود یا دیگران به تفصیل گزارش شده، مراجعه کنیم و حداقل پنج مورد در موضوعات مختلف و ابواب مختلف را بدون اینکه فضای ویژه‌ای بر آن‌ها حاکم باشد، با روش داده‌کاوی مورد مطالعه قرار دهیم و از روی تشابه عملکردی ایشان، فرضیه‌ای برای روش استنباط شیخ انصاری ارائه دهیم. سپس این فرضیه را با مبانی ایشان در اصول‌فقه و شواهد و موارد بیشتر استنباطات او در معرض آزمون قرار دهیم تا اطمینان حاصل کنیم که در پس‌پرده عملکردهای شیخ انصاری، چه منطوق و روش منضبطی برای استنباط نهفته است، برای نمونه، مراحل استنباطی شیخ انصاری در دو مورد «سبّ المؤمن» و «السحر» بررسی شد که خلاصه گزارش آن به صورت زیر است: (انصاری، ۱۳۶۷، ۳۳-۳۲):

۱. بیان مُدّعا و تعریف فرضیه (ارائه مسئله با حکمش مانند: سبّ المؤمن حرام؛ السحر حرام).

۲. ارائه مستندات اولیه برای موجه‌سازی مُدّعا و فرضیه (مانند: مستند الحرمة روایة...؛ الاخبار مستفیضة به).

۳. تبیین موضوع (مانند: المرجع فی السبب الی العرف و هو ما یاسناده یقتضی
نقصه الیه؛ المراد بالسحر....).

۴. شاخص تحقق موضوع (مانند: لایعتبر فی صدق السبب مواجهه المسبوب و
یعتبر فیه قصد الإهانه؛ المعبر فی السحر الاضرار).

۵. انواع و اقسام و حالات موضوع (مانند: النسبته بینه و بین الغیبه...؛ السحر
علی اقسام).

۶. تبیین نهایی حکم (مانند: المهم بیان حکمه).

۷. مراحل تبیین:

الف. ارائه دلیل و بیان دلالت ظاهر دلیل (مانند: لروایة أبی بصیر...؛ لمستفیضه
الدالة علی أنّ الساحر کالکافر).

ب. تقویت این استظهار با تصریح دیگر فقها بر این ظهور (مانند: فسره فی جامع
المقاصد...؛ قال العلامة فی القواعد).

ج. ارائه دلیل های معارض، بیان دلالت دلیل آن ها و نقد آن ها (مانند: قد اختلف
عبارات الاصحاب).

د. نقد آن ها با احتمال پردازی در مراد عبارت و نتیجه گیری (مانند: فی مرجع
الضمائر اغتشاش).

هـ. جمع بین ادله و نتیجه گیری (مانند: الجمع بین ما ذکر فی معنی السحر...).

۸. تعیین موارد استثنا (مانند: و یستثنی منه المؤمن المظاهر بالفسق؛ بقی الکلام
فی جواز دفع السحر بالسحر).

البته همان طور که گذشت، برای نظریه پردازی در روش استنباط شیخ انصاری،
صرف بیان، دو نمونه کافی نیست و باید مراحل ذکر شده در قبل، کاملاً طی شود و
برای اینکه یک الگوریتم کامل شکل بگیرد، باید در مقابل هر کدام از مراحل فوق،
«چرا؟» گذاشته شود و در مقابل محتوای هر کدام از آن ها، «چگونه؟» بگذاریم و
پاسخ آن ها را از مبانی و مطالب شیخ انصاری در کتب مختلف شان پیدا کنیم؛ مثلاً
«چرا پس از طرح مسئله، به بیان انواع و اقسام موضوع پرداخته و سپس به مستندات
پرداختیم؟»، «چرا در مراحل ارائه استدلال، به آیات قرآن استدلال نکردید؟»،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۳۸

«چگونه شاخص تحقق موضوع را تعیین کردید؟»، «چگونه در عبارات روایات و اقوال فقها، احتمال‌پردازی کردید؟»، «چگونه مطمئن شدید که همه نظریات رقیب نظر خودتان را دیده‌اید؟» و

هر کدام از این موارد، یک عملکرد هستند که به روش دقیق تفصیلی قدم به قدم نیاز دارند. این تفصیل دادن‌ها تا جایی باید ادامه یابد که به عملکردهای بسیط و بدون مشابه برسد (عملگرهای پایه). اگر تفصیل هر لایه‌ای در علم دیگری ارائه شده باشد، می‌توان از آن بسته عملیاتی نیز در اینجا استفاده کرد؛ مثلاً بسته تشخیص معنای اولیه جمله، از علم ادبیات گرفته می‌شود، بسته تشخیص استدلال، از علم منطق گرفته می‌شود، بسته تشخیص صحت سند، از علم رجال گرفته می‌شود و

در «الگوریتم اجتهاد» صرفاً به بسته‌هایی پرداخته می‌شود که مأموریت خاص علم فقه و اصول فقه است و در موارد دیگر، با ارجاع به مبانی و نظریه‌های مختار در علوم مرتبط، از نتایج آن علوم برای فرآیند اجتهاد استفاده می‌شود.

۲/۳/۳/۲. بررسی نقدها

در این قسمت، منتقدان می‌گویند: ما نمی‌توانیم تمام نهفته‌ها و ناخودآگاه‌های

ماهیت‌شناسی
الگوریتم اجتهاد

۲۳۹

۱. در علم برنامه‌نویسی کامپیوتری، به این بسته‌های آماده، «ماژول» Module و «کامپوننت» Component گفته می‌شود؛ واژه «ماژول» در فارسی به معنای «قطعه آماده مصرف» است و «کامپوننت» در فارسی به معنای ترکیب‌دهنده است. ماژول یک بخش قابل نصب و قابل استفاده مجدد است که برای نمایش محتوا یا انجام یک عملیات خاص استفاده می‌شود. هر ماژول فراهم آورنده بخشی مجزا از قابلیت‌هایی است که می‌توانید با نصب آن به قابلیت‌های برنامه اضافه کرد. در واقع، محتوا و طرح کلی صفحات به وسیله ماژول‌ها و چیدمان آن‌ها در صفحه تأمین می‌شود. ماژول‌ها قابلیت جابجایی و انتقال یا کپی از صفحه‌ای به صفحه دیگر را دارند؛ به هر صفحه می‌توان تعداد زیادی ماژول اضافه کرد. می‌توان سطح دسترسی‌های کاربران را به هر نمونه از ماژول‌های صفحات پرتال تعیین کرد. هر ماژول یک سری تنظیمات عمومی دارد که این تنظیمات در تمام ماژول‌ها وجود دارند و مربوط به نحوه نمایش و دسترسی‌های ماژول می‌باشند و ممکن است تنظیماتی هم خاص همان ماژول داشته باشد که مرتبط با نحوه کارکرد ماژول است.

کامپوننت‌ها نیز ابزارهایی هستند که فعالیت‌های اصلی یک برنامه را انجام می‌دهند. یک کامپوننت می‌تواند دارای چند ماژول باشد که به صورت یک بسته ترکیبی در نرم‌افزار نصب می‌شوند. کامپوننت‌ها یا اجزای کوچک‌تر در برنامه‌نویسی، ابزارهایی هستند که می‌توانند برای انجام فعالیت‌هایی خاص و پیش‌گیری از نوشتن کدهای اضافی به کار گرفته شوند. اغلب امکانات موجود در کامپوننت‌ها می‌توانند توسط برنامه‌نویسان نیز به صورت شخصی پیاده‌سازی شوند، ولی انجام این کار ممکن است به ماه‌ها یا سال‌ها زمان نیاز داشته باشد، اما با استفاده از کامپوننت‌ها، زمان و هزینه صرف تولید بخش‌های سفارشی نرم‌افزار و نه بخش‌های عمومی و تکرار پذیر آن می‌شوند. در برخی دیگر از شرایط ممکن است اضافه کردن امکانات یک کامپوننت به محیط برنامه‌نویسی مستلزم انجام فعالیت‌هایی خاص به صورت دستی از سوی برنامه‌نویس باشد (کاوینگتون و همکاران، ۲۰۰۹، ۱۰۴ و ۳۱۵).

عملکردها را در موضوعات پیچیده‌ای مانند استنباط‌های فقهی اکتشاف کنیم، بلکه به برخی از آن‌ها در سطحی از عملکردها می‌توان دسترسی پیدا کرد؛ بنابراین، نمی‌توان مدعی «کشف الگوریتم» شد که باید تمام جزئیات عملکردی در آن آشکار و شبیه‌سازی شده باشد.

در پاسخ باید گفت: «پیچیدگی» (Complexity) در موضوعات دارای اهمیت، به جای اینکه عامل بازدارنده برای دقیق‌سازی و الگوریتمی کردن باشد، عامل ایجاب‌کننده است؛ یعنی هر چه موضوع مهم‌تر و مبهم‌تر باشد، به ضابطه‌مند شدن بیشتر در سازه و محتوا نیاز دارد تا از خطر اشتباه و سلیقه‌مصون‌ماند و هر چه تشخیص این ضابطه‌مندی مشکل‌تر باشد (به سبب پیچیدگی)، به ابزار «گشودگی» که الگوریتم‌ها هستند بیشتر نیاز است. بخشی از عوامل عدم رشد یک علم، عدم شفاف‌سازی و عدم دقیق‌سازی روش و محتوای آن علم است.

مطلب اصلی در پاسخ به این نقد - که این پاسخ، توضیح فرضیه چهارم هم تلقی می‌شود - ذو مراتب بودن الگوریتم‌هاست؛ یعنی به سبب ذومراتب بودن موضوعات و ترتب طولی لایه‌های فوقانی بر لایه‌های زیرین (به قید «طولی» دقت شود) و منسجم بودن هر لایه در درون خودش، می‌توان الگوریتم یک لایه را بدون اطلاع تفصیلی از لایه قبلی یا بعدی طراحی کرد (به قید «تفصیلی» توجه شود).

الگوریتم‌ها به مقدار دانشی که در اختیار است آشکارسازی و دقیق‌سازی عملیات را انجام می‌دهند و در هر قسمتی که خلأ دانشی وجود دارد به عملکرد ناخودآگاه هوش طبیعی واگذار می‌کنند؛ بنابراین، چنین نیست که یک الگوریتم تا تمام جزئیات حل یک مسئله را کشف نکرده باشد نمی‌تواند حل مسئله کند؛ تمام الگوریتم‌هایی که در موضوعات پیچیده در علوم مختلف، اعم از مهندسی، پزشکی و علوم انسانی، کار می‌کنند و در حال حل مسئله هستند و اثر ایجاد می‌کنند چنین هستند و با پیشرفت دانش به‌طور مستمر ویرایش شده و تکامل می‌یابند و اثرگذاری برتری پیدا می‌کنند.

همچنین هیچ‌کدام از این الگوریتم‌ها، مدعی انحصار مسیر دستیابی به واقعیت نیستند و به همین دلیل نیز محققان مختلف در علوم مختلف که با مباحث الگوریتمی

سروکار دارند، مسیرهای موازی را برای حل مسئله‌ها پیگیری می‌کنند و در نتایج عملیاتی نیز می‌بینیم که برای رفع یک نیاز، نرم‌افزارهایی با الگوریتم‌های متفاوت ارائه شده است.

حتی در پارادایم‌های تفسیر هرمنوتیکی که روش تحقیق‌های کیفی را ایجاب کرده‌اند. ملاحظه انواع روش‌های تحقیق کیفی و تلاش ایده‌پردازان آن‌ها برای مرحله‌بندی و دقیق‌سازی فرآیندها، شاهد آشکاری بر این معناست (ایمان، ۱۳۹۳، ۱۴۶-۲۴۶).

توجه به این نکته نیز ضروری است که تلاش برای شکل‌گیری «هوش مصنوعی» به معنای جایگزین شدن مطلق آن به جای هوش انسانی نیست، بلکه به معنای تولید ابزاری برای جلوگیری از خطاها و نواقص حافظه و تفکر انسانی است؛ چه همه انسان‌ها در حالت عادی، توانایی دقت‌های لازم برای انجام سریع «تفکر صحیح و تصمیم کارآمد» را ندارند؛ به همان دلیلی که با وجود منطقی بودن ساختار ذهن طبیعی بشری و به کار بردن قواعد منطق به صورت ناخودآگاه در زندگی، به «علم منطق و منطق‌دان» نیاز هست، به همان مناط، منطق‌دان‌ها که توانایی تشخیص و پردازش حجم بالایی از داده‌ها را در زمان‌های مورد نیاز ندارند، محتاج ابزاری برای چنین پردازش‌هایی هستند. هوش مصنوعی، نقش پشتیبان، یاور و مکمل هوش انسانی را دارد.

الگوریتم اجتهاد به عنوان یک چک‌لیست عملیاتی برای انجام عملیات اجتهاد، سبب می‌شود تا بتوان قدمی در جهت دقیق‌سازی، جامعیت و مانعیت نظر مجتهد برداشت؛ دقیق‌سازی‌ای که می‌توان با آن، اجتهاد انجام شده از سوی یک فقیه را قدم به قدم «اعتبارسنجی» کرد و بر اساس آن، میان دو استنباط مختلف در یک مسئله، قضاوت کرد.

ب) توضیح و استدلال رویکرد قیاسی

مقصود از «رویکرد قیاسی در ارائه الگوریتم» این است که بتوانیم مسیر و فرآیند استنباط فقهی را به صورت منطقی تولید و ارائه کنیم.

حدّ وسط استدلال برای اثبات امکان این کار، وجود ضوابط علیّ معلولی حاکم بر «تفکر» و «روش» است؛ یعنی اگر اجتهاد یک عملکرد منطقی ذهن است که بر اساس تفکر و تحلیل انجام می‌شود و اگر عملکردهای ذهنی منطقی دارای قاعده قانون هستند و هر عملکردی مُنتج و معتبر نیست؛ آنگاه با قرار دادن مصالح فقهی و اصول فقهی در دستگاه تفکر و تحلیل منطقی، می‌توان عملیات استنباط و اجتهاد فقهی معیار را تولید کرد؛ به طوری که بتوان عملکردهای میدانی فقها و مستنبطین را براساس آن اعتبارسنجی نمود. دستگاه منطقی به تنهایی فقط صورت‌بندی می‌کند؛ بنابراین، لازم و نه کافی است و برای تأمین مادّة قیاس نیاز به مبانی علوم مرتبط است. «اجتهاد» به معنای عام، به عنوان یک عملکرد، منطبق فهم دین و روش تحقیق در دین است؛ لذا ضوابط منطقی روش‌های تحقیق بر او حاکم است؛ جدول زیر نمونه‌ای فقهی از این موارد است که فقط برخی از ابزارها به جهت خلاصه‌گویی ذکر شده است.^۱

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۴۲

۱. تفصیل این ابزارها در کتاب «الگوریتم اجتهاد»، از همین قلم، که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ خواهد شد، آمده است.

ردیف	ابزار تحلیل	مسئله متناسب	احتمالات ممکن در مسئله	مثال
۱	تعریف اولیه / انس المطالب / مطلب «ما» توصیف اولیه / علت اربع / علت مادی	هویت موضوع چیست؟ (جنس و فصل یا کالجنس و کالفصل مفهومی)	یک شیء است؟ یک صفت یا اثر است؟ هویت ذهنی فکری دارد؟ هویت روحی قلبی دارد؟ هویت فعل و رفتار دارد؟ یک نسبت است؟ یک اعتبار است؟ یک قوه و توانایی است یا	الطهاره، استعمال طهور مشروط بالنیة. احتمالات ممکن در جنس طهارت بحث شده است (طهارت، فعل مكلف است یا اعتبار شارع است یا حالت روحی تقرب است؟). در احتمالات درباره جنس «بیع» بحث شده است (انتقال است؟ اعتبار لفظی است؟ اثر حاصل از عقد است؟ تملیک است؟)
۲	تفسیر اولیه / علت اربع / علت فاعلی ۱. (تفسیر معنی کشف اجزا و روابط پنهان و بروز لوازم مطلب)	عامل قریب پیدایش موضوع چیست؟	آیا خلقت طبیعی است؟ آیا مصنوع بشری است؟ آیا صرفاً از طرف شارع است؟ آیا پیدایش امر دیگری سبب پیدایش این شده است؟ (مانند وجوب غیرى) آیا شرایط خاص یا حالت و وضعیت خاص، یا فعل خاص سبب پیدایش موضوع شده است؟ (زمان خاص، مقدار خاص، کیفیت خاص، ارتباط خاص، مکان خاص، اجزاء خاص، و... مثلاً: آیا اختیاری است یا اضطراری؟ آیا آگاهانه است یا ناخودآگاه یا جاهلانه؟ و	۱. (در مورد صحت عقد فضولی): ما يتوقف عليه تأثير العقد على القول بالكشف هو لحقوق الاجازة، لا نفس الاجازة (شیخ انصاری، المكاسب، ۱۴۱۰ق، ۸/۲۸۹) ۲. وجوب ذی المقدمة من قبیل العلة الغائية لوجوب المقدمة، فلا محذور أصلا في البين، من قبیل العلة الفاعلية حتى يلزم محذور تقدم المعلول على العلة (سبزواری، ۱۴۰۴ق، ۴/۴۳۴) ۳. عامل التحليل للصلوه، التسليم (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۵/۳۵۵) ۴. ظاهر صحيح الحلبي أن علة الوجوب الإفضاء، لا الزوجية (حكيم، ۱۴۱۶ق، ۱۴/۸۵) ۵. عالماً كان المَحْرَمُ أَوْ جاهلاً؟: .. مُبْتَدَأً بِالْقَتْلِ أَوْ مُعِيداً؟؛ مُصْرّاً عَلَى مَا فَعَلَ أَوْ نَادِماً؟ (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲/۴۴۴)

ردیف	ابزار تحلیل	مسئله متناسب	احتمالات ممکن در مسئله	مثال
۲	تفسیر و تبیین / علت صوری (یا عوارض و آثار لازم ماهیه یا مفهوم، که بررسی عوارض تسعه و مقومات سته حرکت، است و همین طور بررسی موضوع از حیث سور و جهت قضایایی که ممکن است تشکیل دهد)	فصل یا عوارض ممیز موضوع از موارد مشابه چیست؟ موارد مشابه این موضوع کدامند؟	آیا موضوع دارای مصادیقی با شکل خاصی است؟ آیا موضوع، صفت یا اثر یا حالتی است که متعلق خاصی دارد؟ آیا موضوع، وابسته به مقدار خاص، یا زمان خاص، یا مکان خاص، یا ارتباط خاص، یا اثر پذیری یا اثر گذاری خاص، یا اجزاء خاص، یا زمینه خاص، یا شرایط خاص، یا نتیجه خاص است؟ (یا وابسته به ترکیبی از موارد فوق؟) شکل گیری موضوع از چه نقطه ای آغاز می شود؟ و	۱. هو فی الأغلب أسود أو أحمر غلیظ، حار له دفع وإنما اقتصر علی هذا التعریف لأنه یمیزه عن غیره من الدماء عند الاشتباه. (فاضل هندی، ۱۴۶۱ق، ۲/ ۵۷) ۲. الصوم کف النفس عن المفطرات؛ الوقف، تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه؛ الضمان التعهد بالمال من البریء. (ایروانی، ۱۴۲۷ق) ۳. قَتَلَهُ عَمْدًا أَوْ حَطًّا (نسبت متعلق با اختیار)؛ قَتَلَهُ فِي جِلٍّ أَوْ حَرَمٍ (نسبت متعلق با مکان)؛ مِنْ ذَوَاتِ الطَّيْرِ كَانَ الصَّيْدُ أَمْ مِنْ غَيْرِهَا (نسبت متعلق با نوع مفعولش)؛ مِنْ صِغَارِ الصَّيْدِ أَمْ مِنْ كِبَارِهِ (نسبت متعلق با کیف)؛ فِي اللَّيْلِ كَانَ قَتْلُهُ لِلصَّيْدِ أَمْ بِالنَّهَارِ. (نسبت متعلق با زمان) ۴. الايجاب ثم القبول (ترتیب)
۴	علت غایی / ...	موضوع مورد نظر چه نتایج و آثاری ایجاد می کند؟	اثر آن بر بدن؟ بر ذهن و فکر؟ بر روح و قلب؟ اثر بر رفتار و عمل؟ اثر بر محیط زیست؟ اثر بر دیگر انسانها؟ اثر آن نسبت به خداوند؟ اثر تشدید کننده؟ یا تضعیف کننده؟ حرکت دهنده است یا متوقف کننده است؟	۱. لَا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَأَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الدُّعَاءُ لَوَالِدَيْهِ. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱/ ۸۱). ۲. دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى عَائِشَةَ وَ قَدْ وَصَعَتْ فَمَقَمَتْهَا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ يَا حُمَيْرَاءُ مَا هَذَا قَالَتْ أَعْسَلُ رَأْسِي وَ جَسَدِي قَالَ لَا تَعُودِي فَإِنَّهُ بَوْرَثُ الْبُرْصِ. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱/ ۲۸۱).

جستارهای فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹
تابستان ۱۳۹۹

۲۴۴

ردیف	ابزار تحلیل	مسئله متناسب	احتمالات ممکن در مسئله	مثال
۴	... / علت غایی	موضوع مورد نظر به نتایج و آثار آتری ایجاد می‌کند؟	<p>اثر کوتاه مدت دارد یا طولانی؟</p> <p>اثر حداقلی دارد یا حداکثری؟</p> <p>اثر تأسیسی دارد یا جبرانی؟</p> <p>اگر اثر مورد نظر حاصل نشود چه تبعاتی خواهد داشت؟</p> <p>چه اثراتی نباید به وجود بیاید؟</p>	<p>۳. عَلَّةُ غُسْلِ الْجَنَابَةِ لِلنَّظَافَةِ وَ تَطْهِيرِ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ أَذَاهُ وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ لِأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُلِّ جَسَدِهِ فَلِذَلِكَ وَجِبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ وَ عَلَّةُ التَّخْفِيفِ فِي الْبَوْلِ وَالْعَائِطِ لِأَنَّهُ أَكْثَرُ وَأَذْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَرَضِي فِيهِ بِالْوَضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ مَجِئِهِ بِغَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱/۲۸۲).</p>

۳/۱. نتیجه گیری نهایی

ماهیت‌شناسی
الگوریتم اجتهاد
۲۴۵

«الگوریتم سازی در اجتهاد» مانند تمام الگوریتم سازی‌های دیگر در علوم یک «رویکرد» تلقی می‌شود که به واسطه آن می‌توان به دقیق سازی مستمر فرآیندها پرداخت و به هر مقدار که این دقیق سازی عمق یابد، به همان مقدار قلمرو دانش (هم از جهت پژوهشی و هم از جهت آموزشی) گسترش می‌یابد.

تشخیص معانی و تطبیق بر مصادیق نیازمند تضرع در علوم مربوطه، احاطه و ممارست با ادله است. الگوریتم اجتهاد، فرمول فقاهاست نیست، الگوریتم اجتهاد، برای بی‌نیازسازی از فقیه نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دقیق سازی در تفقه است؛ لذا این الگوریتم را می‌توان «فقیه‌یار» نامید.

در نهایت اشاره به این نکته لازم است که به دلیل اینکه شارع ربط وحدت و کثرت را برقرار کرده است و تشریح، دستورالعمل عبور از کثرات برای اتصال به وحدت است، بدون ذوق فضای وحدت و ملکوت الهی (قوه قدسیه)، کشف مراد شارع به سرانجام نمی‌رسد و البته مدلل کردن این مدعا مجال دیگری را می‌طلبد.

منابع

۱. آکسفورد، (۲۰۰۹م)، فرهنگ ریاضیات، لندن: دانشگاه آکسفورد.
۲. آملی لاریجانی، صادق، (۱۳۹۴)، فلسفه علم اصول، قم: انتشارات مدرسه علمیه ولی عصر علیه السلام.
۳. ابن براج، قاضی عبدالعزیز، (۱۴۰۶)، الممهدب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. اشتهاودی، علی پناه، (۱۴۱۷)، مدارک العروه، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر.
۵. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۰)، المکاسب، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب.
۶. ایروانی، باقر، (۱۴۲۷)، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، قم: بی نا.
۷. ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۳)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. ترنیکو، زوسمن، زلاتین؛ ترجمه جعفری، مصطفی و همکاران، (۱۳۸۴)، نوآوری نظام یافته، طهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
۹. سلیمی و همکاران، محمدحسین، (۱۳۸۴)، الگوریتم نوآوری، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
۱۰. حبیبی و همکاران، رضا، (۱۳۹۱)، فلسفه علوم تجربی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۱. حقیقت، سیدصادق، (۱۳۸۲)، بحران روش شناسی در علوم سیاسی، علوم سیاسی، ۱۵۳-۱۷۴.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، بی تا، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۴)، روش شناسی علوم اجتماعی، طهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.
۱۴. روحانی، سیدمحمد، (۱۴۱۸ق)، منتقى الاصول، قم: دفتر آیت الله روحانی.
۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۴ق)، مهذب الاحکام، قم: مؤسسه المنار.
۱۶. سند، محمد، (۱۳۸۲)، نگاهی جدید به مباحث علم اصول، پژوهش های اصولی، ۱۰۱-۱۱۱.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ق)، اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه، بیروت: دارالتراث.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمد حسین، بی تا، حاشیه الکفایه، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمد حسین، بی تا، نهایه الحکمه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، بی تا، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم: نشر جامعه مدرسین.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۴۶

۲۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد مقدس: نشر مرتضی.
۲۳. عراقی، ضیاء الدین، (۱۳۶۱ق)، نهاییه الافکار. قم: جامعه مدرسین حوزه قم.
۲۴. فارابی، محمد بن محمد، (۱۴۰۸ق)، المنطقیات. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته.
۲۵. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۶۱ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. فایر ابند، پاول، ترجمه قوام صفری، مهدی، (۱۳۷۵)، ضد روش. طهران: انتشارات فکر روز.
۲۷. فرهنگستان ادب فارسی، (۱۳۷۶)، واژه های مصوب، دفتر اول. تهران: فرهنگستان ادب فارسی.
۲۸. قراملکی، احد، (۱۳۸۵)، روش شناسی مطالعات دینی. مشهد مقدس: دانشگاه علوم رضوی.
۲۹. کاوینگتون و همکاران، (۲۰۰۹م)، فرهنگ اصطلاحات کامپیوتر و اینترنت. امریکا- سیاتل: انتشارات بارونز.
۳۰. منصوریان، یزدان، (۱۳۸۶)، گرند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟. چالش های علم اطلاعات، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳۱. میرزای قمی، ابوالقاسم، (۱۳۲۱ق)، القوانین المحکمه فی الاصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
۳۲. نجفی، محمد حسن. بی تا. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. نراقی، احمد، (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. واسطی، عبدالحمید، (۱۳۸۴)، راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی، قم: انتشارات دارالعلم.

Bibliography

1. al-Tīrāblusī, '.-'.-B. (1985/1406). *al-Muḥaḍḍhab*. (G. r.-S. al-Subḥānī, Ed.) Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
2. al-Āmilī, M. I.-S.-A. (1989/1410). *al-Lum'at al-Dimashqīyya fī Fiqh al-Imāmīyya*. Beirut: Dār al-Turāth.
3. al-Anṣārī, M. (-S.-A. (1989/1410). *Kitāb al-Makāsib*. Qum: Dār al-Kutub.
4. al-Burūjirdī al-Najafī, M. (1988/1361). *Nihāyat al-Afkār alqawā'id al-Fiqhīya (Taqrīrāt Baḥth Āghā Dīyā' al-Dīn al-Irāqī)*. Qum: Mu'assasat

- al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
5. al-Fārābī, M. I. (1987/1408). *al-Manṭiqīyyāt*. Qum: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
 6. al-Ḥakīm, a.-S. '.-Ṣ. (1997/1418). *Muntaqā al-Uṣūl (Taqrīrāt Baḥth al-Sayyid Muḥammad al-Ḥusaynī al-Rawḥānī)*. Qum: Maktab al-Sayyid Muḥammad al-Ḥusaynī al-Rawḥānī.
 7. al-Ḥillī, H. I.-'.-H. (1993/1414). *Tadhkirat al-Fuqahā'*. Qum: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
 8. al-Ḥusay, K. P. (2016/1394). *Ravish Shināsī-yi 'Ulūm-i Ijtimā'ī*. Tehran: Mu'assisi-yi Pazhūhishī-yi Hikmat va Falsafi.
 9. al-Īrawānī, B. (2006/1427). *Durūs Tamhīdīyya fī al-Fiqh al-Isṭidlālī* (2nd ed.). Qum: Mu'assasat al-Fiqh lī al-Ṭibā'a wa al-Nashr.
 10. al-Iṣfahānī, B. a.-D.-F.-H. (1997/1416). *Kashf al-lithām 'an Qawa'id al-Aḥkām*. Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
 11. al-Ishtihārdī, ' p. (1996/1417). *Madārik al-'Urwa*. Tehran: dār al-Uswa li al-Ṭibā'a wa al-Nashr.
 12. al-Najafī, M. (n.d.). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām* (7th ed.). ('. al-Qūchānī, Ed.) Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
 13. al-Narāqī, A. I.-F.-N. (1994/1415). *Musṭanad al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. Qum: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
 14. al-Qummī, a.-M.-Q.-M.-Q. (1900/1321). *al-Qawānīn al-Muḥkama fī al-Uṣūl*. (R. Ṣubh, Ed.) Qum: Iḥyā' al-Kutub al-Islāmīyya.
 15. al-Sabzawārī, a.-S.-A. (1993/1404). *Muḥadḍḥab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Mu'assasat al-Manār.
 16. al-Ṭabātabā'ī, a.-S. M.-'.-Ṭ. (1996/1417). *al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān* (5th ed.). Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
 17. al-Ṭabātabā'ī, a.-S. M.-'.-Ṭ. (n.d.). *Nihāyat al-Ḥikma*. Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
 18. al-Ṭabātabā'ī, a.-S. M.-'.-Ṭ. (n.d.). *Uṣūl-i Falsafi va Ravishi Ri'ālism*. Mu'assisi-yi Nashr-i Islāmī Vābaṣṭi bi Jami'i-yi Mudarrisīn.
 19. al-Ṭabrasī, A. I. (1982/1403). *al-Iḥtijāj*. Mashhad: Nashr-i Murtaḍā.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۴۸

20. Āmulī larījanī, Ş. (2015/1394). *Falsafī-yi 'Ilm-i Uşūl*. Qum: Intishārāt Madrasi-yi 'Ilmīyyi-yi Valī-yi 'Aşr.
21. Co-workers, K. &. (2009). *Farhang-i Işīlāhāt-i Computer va Internet*. Seattel: Barouns.
22. Fairabind, P. (1996/1375). *Didi Arzish*. (M. Qvām Şafarī, Trans.) Tehran: Fikr-i Rūz.
23. Fārsī, F.-i. A.-i. (1997/1376). *Vāzihā-yi Muşavvab, Daftar-i Avval*. Tehran: Farhangīstān-i Adab-i Fārsī.
24. Ḥabībī, R. &.-w. (2012/1391). *Falsafī-yi 'Ulūm-i Tajrubī*. Qum: Mu'assisi-yi Imām Khumaynī.
25. Ḥaqīqat, S. Ş. (2003/1382). Buḥrān-i Ravish Shināsī dar 'Ulūm-i Sīyāsī. *'Ulūm-i Sīyāsī*, 153-174.
26. Ibn Bābiwayh al-Qummī, M. I.-S.-Ş. (1965/1386). *Ilal al-Sharāi'*. Qum: Maktabat al-Dāwarī.
27. Īmān, M. T. (2014/1393). *Falsafī-yi Ravish-i Taḥqīq dar 'Ulūm-i Insānī*. Qum: Pazhūhishgāh-i Ḥawzi va Dānishgāh.
28. Manşūrīyān, Y. (2007/1386). *Girandid-i Ti'urī Chīst va chi Kārburdī Dārad? Chālīshhā-yi 'Ilm-i Iḥṣilā'āt*. Isfahan: Danīshgāh-I Işfahān (Isfahan University).
29. Oxford. (2009). *Farhang-i Rīyādiyāt*. London: Oxford University.
30. Qarāmalikī, A. (2006/1385). *Ravish Shināsī Muṭālī'āt-i Dīnī*. Mashhad: Dānishgāh-i 'Ulūm-i Islāmī-yi Raḍavī (Razavi Islamic Studies University).
31. Salīmī, Ḥ. &.-w. (2005/1384). *Algurīm-i Nuwāvarī*. Tehran: Mu'assisi-yi farhangī-yi Rasā.
32. Sanad Baḥrānī, M. (2003/1382). Nigāhī Jadīd bi Mabāḥith-i 'Ilm-i Uşūl. *Pazhūhishha-yi Uşūlī*, 101-111.
33. Tirminko, & Zosman, Z. (2005/1384). *Nuwāvarī-yi Nīzām Yafti*. (S. M.-w. Ja'farī, Trans.) Tehran: Mu'assisi-yi Farhangī-yi Rasā.
34. Vāsītī, ' . a.-Ḥ. (2005/1384). *Rāhnamā-yi Taḥqīq bā Iqtibās az Nigarish-i Islām bi 'Ilm va Haşī*. Qum: Intishārāt-i DAR al-'Ilm.

